



زبان انگلیسی ۹۰ پلاس


نویسنده: دکتر هادی یوزی
رتبه یک ارشد و دکتری کنکور وزارت بهداشت

سرشناسه
عنوان و نام پدیدآور: یوزی، هادی، ۱۳۶۷ -
زبان انگلیسی ۹۰ پلاس / نویسنده هادی یوزی.
مشخصات نشر: تهران: انتشارات علمی سنا، ۱۳۹۷.
مشخصات ظاهری
شابک
۲۷۰۰۰۰ ریال: ۷-۸۱-۰۸۱-۴۸۸-۶۰۰-۹۷۸
وضعیت فهرست نویسی
شماره کتابشناسی ملی
۵۲۱۲۴۳۹
فیبای مختصر



(انتشارات علمی سنا)

مرجع تخصصی علوم پزشکی
نام کتاب: زبان انگلیسی ۹۰ پلاس
نویسنده: دکتر هادی یوزی
شابک: ۷-۸۱-۰۸۱-۴۸۸-۶۰۰-۹۷۸
نوبت چاپ: اول - ۱۳۹۷ ویراست دوم
مدیر تدوین: سمیه تقی زاده
صفحه آرایبی: سیدمحسن خضری
طراح جلد: هادی طغیانی
چاپ و صحافی: صادق
پست الکترونیک: elmisana@gmail.com
فروش اینترنتی: sanabook.com
تیراژ: ۱۰۰۰ نسخه
قیمت: ۲۷۰۰۰ تومان

«شما می‌توانید کتاب‌های مؤسسه انتشاراتی علمی  را علاوه بر کتابفروشی‌های سراسر کشور از نمایندگی‌های اختصاصی مؤسسه واقع در کلیه استان‌ها تهیه نمایید.»
آدرس نمایندگی‌ها در سایت sanapezeshki.com
و یا انتهای کتاب درج شده است.

مقدمه ناشر

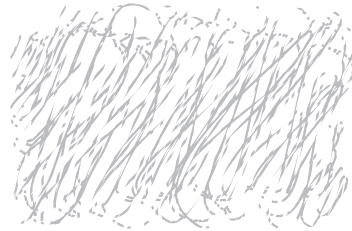
کتابی که پیش رو دارید برای مخاطبین دو آزمون کارشناسی ارشد پزشکی و آزمون زبان mhle بیشترین استفاده را دارد. هرچند به گفته مولف این کتاب برای سایر آزمونها نیز قابل استفاده می‌باشد.

لازمه پاسخ‌دهی به اکثر سوالات درس زبان آزمون ارشد پزشکی و آزمون، mhle دارا بودن دایره لغات وسیع و در عین حال دانستن معانی برخی لغات از دیدگاه پزشکی است. به عنوان مثال واژه‌ای مثل compromise به معنی "سازش" است ولی وقتی در متون پزشکی به عبارت immunocompromised patients symptoms (به معنی: بیماران دارای علائم نقص ایمنی) برمی‌خوریم دانستن معنی "سازش" هیچ کمکی به ما نمی‌کند! بنابراین طی چند سال اخیر نیاز به یک گنجینه لغت مورد اعتماد برای داوطلبان آزمون‌های وزارت بهداشت احساس می‌شد که خوشبختانه جناب آقای دکتر یوزی در این کار پیش قدم شدند.

از آنجایی که در آزمون کارشناسی ارشد وزارت بهداشت سوال گرامر یا دستور زبان طرح نمی‌شود و تمامی ۴۰ سوال شامل ۲۰ سوال درک مطلب (۴ متن) و ۲۰ سوال واژگان (vocabulary) می‌باشد، به یقین تسلط بر لغات زبان عمومی و تخصصی این کتاب در کنار مرور سوالات زبان کنکور ارشد ده سال اخیر می‌تواند شما را در کسب درصد ۸۰ تا ۱۰۰٪ یاری کند. همچنان که مولف همین کتاب در آزمون کارشناسی ارشد وزارت بهداشت، با دایره لغات کمتر از این کتاب، درصد درس زبان خود را به بالای ۸۵ رسانده است. لازم بذکر است که علاوه بر این کتاب، کتابی دیگر حاوی سوالات زبان ۱۲ سال اخیر آزمون ارشد وزارت بهداشت توسط موسسه سنا به مرحله چاپ رسیده است که پاسخ‌های تشریحی و ترجمه تمامی متون آن، مرور سوالات زبان سال‌های اخیر را برای شما هموار کرده است.

دکتر هادی طغیانی - دکتر منیره ملکی
elmisana@gmail.com

فایل‌ها و فیلم‌های آموزشی کتاب



**با فراش و ثبت کد بالا در سایت bookadds.ir می توانید
به موارد زیر دسترسی پیدا کنید:**

- ۱: دریافت فایل ویرایش های علمی و املایی کتاب
- ۲: لیست فیلم های آموزشی مربوط به کتاب در App کلاس همراه
- ۳: دانلود رایگان سوالات ارشد و دکتری
- و....



ویژگی فیلم های آموزشی:
تدریس توسط مدرس برتر در تهران (دکتر یوزی)
بررسی نکته به نکته مباحث
بیان روان و سلیس مطالب
صرفه جویی در زمان و دسترسی در هر مکان (تلفن همراه)
آموزش بر اساس اهمیت مطلب در کنکور سال های افیر

مقدمه مؤلف

امروزه، اگر فردی بخواهد در هر رشته‌ای تحصیل کند یا حتی در زندگی موفق باشد، دانستن زبان انگلیسی یک ضرورت برایش به شمار می‌آید چرا که یکی از راه‌های ورود به عرصه علم و دانش و کسب موفقیت‌های بالاتر شرکت در آزمون‌های مربوط به کارشناسی ارشد در رشته‌های مختلف می‌باشد، این موفقیت در چند سال اخیر به یک جو رقابتی تبدیل شده است که دانشجویان عزیز دنبال منابعی مفید و تضمینی می‌باشند که بتوانند غیر از قبولی در مقطع کارشناسی ارشد سطح زبان خود را برای همیشه ارتقاء دهند، کتاب حاضر که ویرایش دوم کتاب ۹۰ پلاس می‌باشد، براساس ایده‌های خود شما عزیزان و خلاقیت‌های اساتید عزیز و همچنین احساس نیاز به موارد جدید، جمع‌آوری شده است. پس از رایزنی و بحث با اساتید به این نتیجه رسیده شد که افراد با سطح زبان‌های مختلف نباید مطالب یکسان بخوانند، این ایده باعث شد که به تقسیم‌بندی کتاب براساس مهارت افراد و درصدی که افراد نیاز دارند، بپردازیم و کتاب حاضر به ۴ فصل تقسیم‌بندی شد، به طوری که از درصد ۳۵٪ تا ۱۰۰٪ را شامل می‌شود. بنابراین افرادی که نیاز بیشتری به زبان دارند می‌بایست تمام ۴ فصل را بخوانند و افرادی که در حد پایین احساس نیاز می‌کنند فقط فصل‌های اولی را می‌خوانند. در ابتدای هر فصل درصد احتمالی شما بعد از خواندن هر فصل آورده شده است. مطالبی که در هر فصل آورده شده است کاری برنامه‌ریزی شده و براساس رایزنی‌های زیاد با اساتید مربوطه انجام گرفته است؛ بنابراین شما با خیال راحت می‌توانید به درصدهای نوشته شده بعد از خواندن هر فصل اطمینان حاصل کنید خلاقیت بعدی که در این مجموعه انجام شده است، تحلیل سوالات کنکور است، شما در اکثر کتاب‌های کنکور می‌بینید که سوالات کنکور را ترجمه کرده‌اند و در اختیار شما می‌گذارند ولی در این کتاب سوالات علاوه بر ترجمه تحلیل شده‌اند، یعنی شبیه این است که شما در کلاس زبان حضور داشته باشید و استاد کلمات و سوالات را برایتان تحلیل کند که خیلی موثر واقع می‌شود. دانشجویان عزیز توجه فرمایید که در ابتدای هر فصل توضیحاتی در مورد آن فصل آورده شده است که توصیه می‌شود با دقت آن را مطالعه فرمایید. این کتاب فقط مخصوص کارشناسی ارشد نیست و برای آزمون‌های زبان از جمله MHLE، MSRT، TOLIMO و IELTS نیز خیلی مفید است، و با خواندن آن یکبار برای همیشه سطح واژگان خود را افزایش می‌دهید. در پایان از تلاش‌های بی‌شائبه کلیه همکاران و اساتید عزیز در تالیف این کتاب از جمله مدیریت محترم موسسه علوم پزشکی سنا، سرکار دکتر خانم ملکی، و انتشار و ویرایش کتاب با دلسوزی‌های بی‌دریغ جناب آقای دکتر طغیانی، قدردانی به عمل آورده، همچنین از زحمات روزافزون دکتر رضاپور، دکتر عزیزی، دکتر نصری، مهندس حاتمی و خانم زعفرانی خانم اکبری تشکر نموده و توفیق روزافزون‌شان را از خداوند متعال خواستارم. دانشجویان و اساتید عزیز از آنجایی که هیچ مجموعه‌ای خالی از اشتباه نیست، لذا از شما عزیزان تقاضا می‌شود اشتباهات ما را از طریق ایمیل زیر باخبر نمایید تا در ویرایش‌های بعدی حتما اصلاح شوند.

دکتر هادی یوزی

UZIHH@YAHOO.COM

فهرست مطالب

- فصل یکم لغات ضروری آزمون ارشد ۱
- فصل دوم تحلیل سوالات کنکور از سال ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۶ ۱۰۳
- فصل سوم لغات چندبخشی، لغات مشابه و اختلالات مختلف ۲۳۵
- فصل چهارم واژگان پیشرفته و سطح Advance ۲۶۱



لغات ضروری آزمون ارشد

درصد شما بعد از خواندن این فصل

۳۵ - ۳۰٪

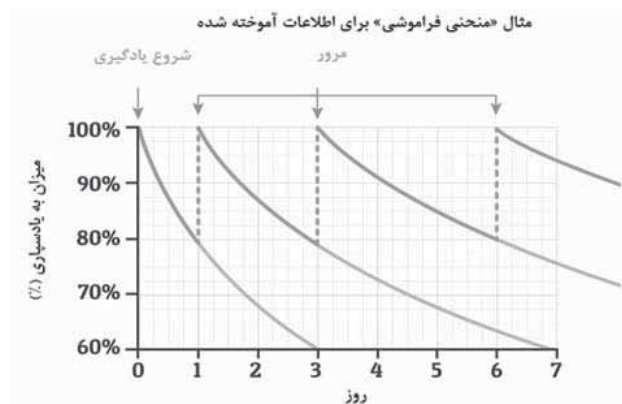
قبل از مطالعه کتاب توجه نمایید که واژگان مربوط به این فصل جزو واژگان ضروری و بیسیک می باشند که از کتابهای مختلف گرفته شده است، و به منظور ایجاد تنوع و خلاقیت جدید بعد از هر ۱۰ صفحه یک آزمون برای شما از آن لغات آورده شده است که جواب آن با پاسخ تشریحی نیز آورده شده است، توجه فرمایید که اگر در آزمون نمره کمتر از ۵ گرفتید نیاز است که آن لغات را مرور کنید و اگر نمره شما بیشتر از ۸ شد شما می توانید لغات جدید را شروع نمایید. عزیزان توجه فرمایید که اخیرا از خود لغات بیسیک سوال کم میارن و به جای آن از مترادفهای آنها استفاده می کنند، بنابراین در خانه شماره سوم لغات، هر چند تعداد مترادف برای هر لغت نوشته شده است، خواهشا حتما حتما آنها را حفظ نمایید، لغاتی که در مورد آنها مثال زده شده است، نیاز به مثال داشتند و حتما با دقت مثالها را بخوانید تا با طرز کار لغت در جمله و نوع سوال آشنا شوید در مثالها سعی شده است که بیشترین شباهت را به سبک کنکور داشته باشند بنابراین شما خیالتان راحت است که اگر آن کلمه در آزمون آورده شود، شباهت خیلی زیادی به مثال موجود خواهد داشت. همچنین لغاتی که دو معنای مختلف دارند حتما هر دو معنا را جداگانه حفظ نمایید، به این نکته توجه فرمایید که در سال ۹۶ سه سوال شما از لغاتی بودند که معنی دوم آنها مورد سوال واقع شده بود، بنابراین هیچ کلمه یا مثالی در این بخش بیهوده آورده نشده است و سعی نمایید حتما به تمام موارد توجه خاص داشته باشید. برای خواندن لغات بدون فراموشی می توانید از «روش 8plus یا 8+» استفاده کنید، که روشی مفید برای حفظ است استفاده کنید. مطمئن باشید با خواندن این فصل حداقل شما قادر خواهید بود که درصد ۳۵٪ را کسب نمایید، پس با خیال راحت و با اطمینان کامل به حفظ کردن لغات بپردازید و اگر هدف شما درصدهای بالاتر است می توانید سراغ فصلهای بعدی بروید، پس با انرژی مضاعف و امید به درصد بالای درس زبان برای داشتن رتبه تک رقمی شروع به مطالعه فصل یک می نمایم. در ادامه با نحوه حفظ لغات با استفاده از روش آیت پلاس آشنا خواهید شد که ابتکاری جدید می باشد.

آموزش استفاده از روش جدید پلاس آیت (8plus) با مربع مرجع

حتما می دانید که تیک ایت نیز مانند روش لایتنر، روشی است برای یادگیری زبان، ولی کارایی خیلی زیادی ندارد. ولی روش پلاس ۸ تفاوت اساسی از نظر کارکرد با آن دارد، به طوری که هرکدام براساس نظریه یک دانشمند طراحی شده اند، از آنجایی که روش پلاس ۸ ابتکاری تر و قابل حمل است و کارکردن با آن خیلی ساده تر است سعی شد، با ابتکاری جدید، در این کتاب از آن استفاده نمایم.

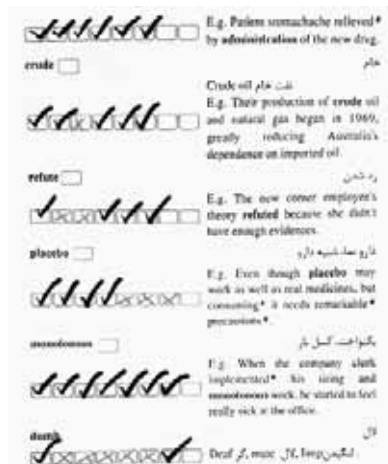
روش PLUS ۸ که در اینجا برای شما معرفی می کنم بر اساس یک الگوریتم ساده ساخته شده است. این الگوریتم را روانشناس و فیلسوف آلمانی به نام هرمان «ابینگهاوس» بیان کرده است که ماحصل آن نظریه «منحنی فراموشی» است. این روانشناس بر اساس منحنی فراموشی، اثر «پرموزی»

(Overlearning) را مطرح کرد؛ به معنای یادگیری تا حد اشباع است. به این مفهوم که اگر برای حفظ کردن مطلبی تمرین کنید و این تمرین و تکرار بیشتر از آن چیزی باشد که معمولاً مورد نیاز است، شما در آن مطلب خاص پرآموزی کرده اید. پرآموزی این اطمینان را برای فرد ایجاد می‌کند که امکان فراموشی و از بین رفتن اطلاعات تا ۷۰ درصد زمان مورد نظر فرد وجود ندارد، بنابراین برای آن ۳۰ درصد و تثبیت مطلب نیز باید روشی ابتکاری و الگوریتمی تعریف شود که در اینجا معرفی شده است. با دنبال کردن دستورالعمل و راهنمایی‌های زیر مطمئن باشید که هر لغت را برای همیشه حفظ خواهید کرد و فراموشی آن در ذهن تقریباً غیرممکن است.



آموزش روش پلاس ۸ برای حفظ لغات ۹۰+

در روش 8plus برای هر لغت هشت مربع وجود دارد و لازم است شما به ازای هر بار مرور در آن علامتی بزنید؛ و این کار را تا زدن هشت علامت ادامه دهید. می‌دانید که در روش تیک ایت برای علامت‌گذاری از روش تیک و ضربدر



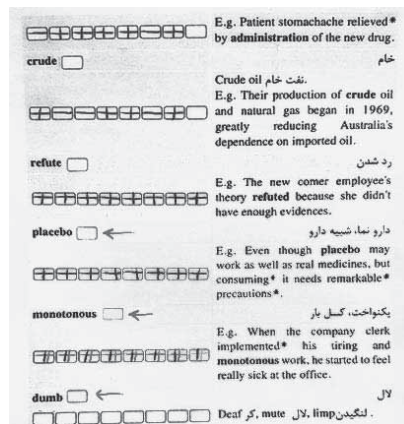
استفاده می‌کنند؛ یعنی شما در هر مرور اگر معنی لغت (مطلب جدید) را می‌دانستید باید در مربع آن علامت تیک بزنید و اگر معنای لغت را بلد نبودید باید در خانه مربوطه علامت ضربدر بزنید.

ولی سوالی در روش تیک ۸ همیشه وجود دارد؛ این است که از کجا مطمئن شویم بعد از زدن هشت علامت، معنی لغت را حفظ شده‌ایم؟

کاملاً واضح است که تعداد تیک‌ها نمایانگر میزان تسلط و یادگیری شماست. بخاطر همین ضعف در این روش، در روش پلاس ۸ یک راهکار خیلی خلاقانه‌ای که ایجاد شد قرار دادن یک مربع اضافه کنار هر لغت است و میزان اطمینان شما را می‌سنجد که خود دو بخش دارد که در ادامه توضیح داده می‌شود. یک سوال ساده این است که در روش تیک ۸ معمولی بعد از آنکه ۸ مربع علامت تیک داشتند و هنوز شما نتوانید معنای آن را حدس بزنید تیک‌های مربوط به مرور نهم و دهم را در کدام مربع علامت (تیک یا ضربدر) بزنیم؟ احتمالاً شما هم حدس زده اید که باید از مداد و پاک کن استفاده میکردید. برای مثال در روز نهم باید یکی از "ضربدر"ها را پاک کنیم و علامت تیک قرار می‌دادیم. اما اینگونه علامتگذاری وقت گیر و دردسرساز است و تقریباً هیچ دانشجویی را سراغ ندارم با این روش تا آخر لغات پیش رفته باشد.

راهکار پیشنهادی و در روش ۸+

پیشنهاد ما برای استفاده از کتاب «۹+» روش علامتگذاری مثبت و منفی است. یعنی برای وقتی که معنی واژه را درست حدس زدید علامت مثبت (+) قرار دهید و اگر معنی واژه را بلد نبودید علامت منفی (-) بگذارید. به همین خاطر است که این روش به ایت پلاس یا ۸+ اسم گذاری شده است.



مزیت علامتگذاری به سبک مثبت و منفی این است که شما نیاز به استفاده از پاک کن و الزاماً مداد ندارید. یعنی وقتی مثلاً در مرور نهم خواستید علامت منفی (-) را به مثبت (+) تبدیل کنید کافی است یک خط کوتاه عمودی بر روی منفی بکشید تا به + تغییر پیدا کند.

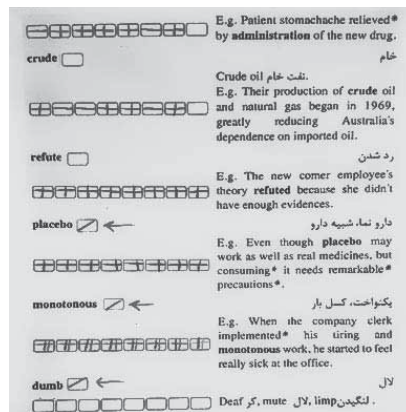
یک نکته مهم:

ممکن است شما این ایده را مطرح کنید که بعد از ۸ روز که دوباره شروع به مرور کردید و همه علامت‌ها هم مثبت شدند باز نیاز دارید که آن واژه را مرور کنید؛ برای مرور بعدی زمانی که کل ۸ خانه علامت مثبت داشتند، شما این بار یک خط

عمودی دیگر به هر خانه اضافه خواهید کرد، (به لغت monotonous در شکل بالا توجه فرمایید) با این روش می‌توانید به جای ۸ مرور ۱۶ مرور و یا حتی ۲۴ مرور با کشیدن سه خط، داشته باشید، (شما باید حداقل ۸ مرور و ۸ علامت + برای هر لغت داشته باشید) یعنی تا جایی که احساس کردید واژه را حفظ کرده‌اید.

مربع مرجع:

اگر توجه کرده باشید کنار هر لغت یک مربع وجود دارد که با فلش در شکل بالا نشان داده شده است. این مربع به اسم مربع مرجع اسم‌گذاری می‌شود؛ این مربع دو کاربرد مهم دارد: این مربع در واقع نشان می‌دهد که آیا شما توانسته‌اید لغت را بعد از پرکردن ۸ مربع به صورت علامت + حفظ نمایید یا نه، و کاربرد دیگر آن برای مرور قبل کنکور است و خیلی مهم است که در اینجا هر دو کاربرد استفاده شده می‌شود. و در واقع این مربع است که روش نمودار فراموشی که توضیح داده شد را تثبیت می‌نماید. روش کار با آن به این صورت است که زمانی که ۸ خانه مربوط به هر لغت علامت مثبت گرفتند (ممکن است کسی زمان زیاد داشته باشد و بخواهد هر خانه دوتا خط عمودی داشته باشد) شما در داخل مربع مرجع یک خط مورب یا کج (به عنوان قطر مربع) می‌کشید. توجه نمایید که فقط یک خط می‌کشید. به شکل زیر توجه نمایید: همچنان که مشاهده می‌کنید لغاتی فقط خط دار شده اند که ۸ مربع آنها با علامت + پر شده‌اند.



مرور قبل از کنکور:

یکی از دغدغه‌های بچه‌ها همیشه قبل از کنکور و فراموشی لغات است، و نگران این هستند که آیا مطالبی که یاد گرفتند، به یاد دارند یا نه. بنابراین در شکل قبلی مشاهده فرمودید که شما در صورت حفظ یک لغت و اطمینان از حفظ آن یک خط مورب در داخل مربع مرجع جلوی هر لغت می‌کشیدید.

روش کار برای مرور قبل از کنکور به این صورت است شما قبل از کنکور (بستگی به زمان و سرعت خواندن شما ممکن است ۱۰ روز یا ۲۰ روز قبل از کنکور باشد) که شروع به مرور کلماتی می‌نمایید که در مربع جلوی آنها خط مورب دارند، (لغاتی که خط مورب ندارند باید آنقدر در طول روز مرور شوند که

خط مورب بگیرند)، سپس هرکدام از لغات را توانستید به یاد بیاورید یک خط مورب دیگر (تبدیل به علامت ضربدر شود) به صورت شکل زیر در داخل آن مربع می کشید، (مطابق شکل زیر) و اگر آن لغت را بلد نبودید هیچ خط جدیدی داخل مربع نمی کشید! و فردا دوباره آن را باید بخوانید، بنابراین شما قبل از کنکور باید تمامی مربع های جلوی هرکلمه و مربع مرجع را پر کرده باشید (مربع مرجع به صورت ضربدر و مربع های ۸ تایی به صورت علامت + می باشند)، همانطور که می بینید لغاتی که هنوز ۸ مربع آنها تکمیل نشده اند مربع مرجع هیچ خطی ندارد. وقتی به این مرحله رسیدید کار شما به پایان می رسد و شما اطمینان ۱۰۰٪ از روش و کار خود خواهید داشت و هیچ وقت نگران فراموشی آن لغات نخواهید بود.

<input type="checkbox"/>	E.g. Patient stomachache relieved* by administration of the new drug.	خام
crude <input type="checkbox"/>	Crude oil نفت خام. E.g. Their production of crude oil and natural gas began in 1969, greatly reducing Australia's dependence on imported oil.	
<input type="checkbox"/>	E.g. The new comer employee's theory refuted because she didn't have enough evidences.	رد شدن
refute <input type="checkbox"/>	E.g. Even though placebo may work as well as real medicines, but consuming* it needs remarkable* precautions*.	دارو، نم، شبیه دارو
placebo <input checked="" type="checkbox"/>	E.g. When the company clerk implemented* his tiring and monotonous work, he started to feel really sick at the office.	پکتواخت، کسل بار
monotonous <input checked="" type="checkbox"/>	Deaf, mute, limp .	لال
dumb <input checked="" type="checkbox"/>		

این روش شاید در نگاه اول خیلی پیچیده به نظر برسد و شما فکر کنید که آدم ممکن است با انجام دادن آن کلی زمانش از دست برود و حتی ممکن است گیج شود، ولی پیچیدگی آن به صورتی که فکر می کنید نیست و من فقط مجبور بودم مطالب را خیلی ریز کنم که هیچ جای سوالی باقی نماند، مطمئن باشید با خواندن چند صفحه از کتاب و استفاده از این روش هم لذت خواهید برد و هم با یک برنامه ذهنی خوب از حفظ لغت در آینده مطمئن خواهید بود. این ابتکار خیلی مزایای مفیدی دارد که مرور قبل از کنکور یکی از بزرگترین آنهاست.

پس در نهایت به صورت خلاصه و جمع بندی مطالب شما برای هر لغت:

■ مرحله ۱: شما باید ۸ خانه مربوط به هر لغت را مثبت دار کنید.

■ مرحله ۲: به عنوان فیلتر و خروجی هر لغت شما باید هر در مربع مرجع یک خط مورب بکشید.

■ مرحله نهایی و مرور: در این مرحله شما در صورت تایید و نهایی شدن یادگیری خط مورب مربع مرجع را تبدیل به ضربدر میکنید.

پس هدف نهایی شما تبدیل هر مربع مرجع به یک ضربدر می باشد.

با این کار مطمئن باشید آن لغت برای همیشه در ذهن شما باقی خواهد ماند.

قابل ذکر است: که این روش از ابتکارات جدید این کتاب و موسسه می باشد، بنابراین از اساتید و موسسات دیگر تقاضا می شود در صورت الگو برداری از این روش، به این قضیه توجه داشته باشند.

prophylactic	پیش‌گویی کننده
<input type="text"/>	
offensive	رنجاننده، آزار دهند
<input type="text"/>	Aggressive
contract	۱. قرارداد، ۲. منقبض شدن، ۳. گرفتن (بیماری)
<input type="text"/>	E.g. If you contracted an illness go to doctor at once.
devour	با ولع خوردن
<input type="text"/>	E.g. It was a horrid sight to see the lion devour the deer.
valiant	شجاع
<input type="text"/>	Brave, courage, gallant, intrepid ≠ timid, coward.
rife	شایع (بیماری یا جنگ و...)
<input type="text"/>	rife ,rampant, prevalent, widespread
conflict	مشاجره کردن
<input type="text"/>	Struggle
in charge of	مسئول کاری بودن
<input type="text"/>	Responsible for E.g. You are in charge of learning all this words.
nix	جلوگیری کردن، متوقف کردن
<input type="text"/>	Stop, prevent, hinder
result in	باعث شدن
<input type="text"/>	E.g. Eating too much fast food can result in heart attack.
convention	مرسوم
<input type="text"/>	Custom
reflection	انعکاس
<input type="text"/>	Replication
substitute	جانشین کردن
<input type="text"/>	
nurture	پرورش دادن، تربیت
<input type="text"/>	Torture شکنجه دادن
aesthetics	زیبایی شناسی
<input type="text"/>	
maid	پیش خدمت زن، دوشیزه
<input type="text"/>	Matron waitress, servant.

radiate	تابیدن
<input type="text"/>	E.g. One study proved that the possibility of hurting to sperm could be caused by even small radiation generated by the computer
conceive	درک کردن، تصور کردن
<input type="text"/>	Perceive, decipher.
manifest	اشکار کردن
<input type="text"/>	Reveal, disclose, divulge.
consistent, consistency	همیشگی
<input type="text"/>	Permanent ≠ temporary.
meanwhile	در ضمن
<input type="text"/>	
mice	موشها
<input type="text"/>	Plural of mouse.
womb	رحم، زهدان
<input type="text"/>	Fetus, embryo, uterus (جنین)
rub	مالیدن (روغن و دیگر مایعات)
<input type="text"/>	E.g. Doctor suggested that rub an ointment* on my hand and try not to spend much time in front of sun.
appetite	اشتها
<input type="text"/>	E.g. Lack of appetite hamper* his recovery from illness, so he was given a drug to stimulate his appetite.
constipated	یبوست
<input type="text"/>	Diarrhea اسهال
dizzy	گیجی
<input type="text"/>	E.g. After the car accident, the patient suffered feeling dizzy and a loss of sensation in her feet
call off	به تعویق انداختن
<input type="text"/>	Postpone, put off, and delay.
spot	خال
<input type="text"/>	Acne آکنه, freckle مکک و مک, rash کهیر
lump	قلنبه شدن پوست بخاطر ضربه
<input type="text"/>	Bruise کوفته شدن
rash	۱. عجول ۲. کهیر
<input type="text"/>	

Venous system.	سیستم وریدی
<input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/>	Arteries , شریان , arterioles , عروق , capillaries مویرگ
incubation	۱- دوره کمون ۲- روی تخم خوابیدن
<input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/>	E.g. After a month's incubation , her illness symptoms* manifested*.
prognosis	پیش بینی کردن مریضی
<input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/>	Diagnosis تشخیص دادن
intoxication	مسمومیت، مست کردن
<input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/>	
Appreciate	۱. درک کردن ۲. قدردانی کردن
<input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/>	E.g. When you get cold, you can't appreciate foods' flavor*. Depreciate کم ارزش شدن
widow	بیوه زن
<input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/>	Widower مرد بیوه
grant	اعطا کردن
<input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/>	E.g. The committee garnered him a reward.
momentous	مهم، خطیر
<input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/>	E.g. My college graduation was a momentous day in my life
resort	۱. متوسل شدن ۲. میعاد گاه
<input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/>	
propel	راندن، مجبور کردن compel
<input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/>	E.g. Motility patterns in the small intestine are not only to propel intestinal contents, but also to mix them with enzymes and other digestive juices.
celestial	آسمانی، ملکوتی
<input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/>	Spiritual
alien	بیگانه، غریبه (از سیاره دیگر)
<input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/>	Alienate بیگانه کردن
overlook	نادیده گرفتن
<input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/>	Disregard , Get over
Invaluable	ارزشمند
<input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/>	توجه کنید این in کلمه را نفی نمی کند
heritage	میراث
<input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/>	" به ارث بردن inherit " وراثت Heredity

typhoon	طوفان
<input type="text"/>	Storm, hurricane.
trickle	جریان باریک
<input type="text"/>	Trifle
articulate	گفتن، قید کردن
<input type="text"/>	”حدس زدن speculate, گفتن stipulate“
warrant	دلیل، عذر موجه
<input type="text"/>	E.g. There was no warrant for that short of behavior
mighty	نیرومند قوی
<input type="text"/>	Potent, robust, powerful.
dismember	دست و پا را قطع کردن
<input type="text"/>	E.g. In the past, the gang has threatened* to kidnap* and dismember the boy.
dissection	کالبد شکافی
<input type="text"/>	Autopsy, biopsy
self esteem	عزت نفس
<input type="text"/>	Self -reliance خود اتکایی, selfish مغرور
gaze	خیره شدن
<input type="text"/>	Daze, stare.
enterprise	سرمایه گذاری کردن
<input type="text"/>	Invest
aftermath	پیامد
<input type="text"/>	Outcome (برون داد), payoff (ماحصل) result (نتیجه) .
check out	تصفیه حساب کردن
<input type="text"/>	ثبت نام کردن Check in
agitate	۱. تحریک کردن ۲. پربشان کردن
<input type="text"/>	E.g. There are proved studies show that lasers can agitate the tissue* of skin and cause rashes* and acnes*.
indulge	افراط کردن
<input type="text"/>	E.g. Even though he was warned by his surgeon* to evade* getting obese*, he still has a tendency to indulge snack while watching T.V
Palpable	قابل لمس
<input type="text"/>	Touchable

detain	بازداشت کردن
<input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/>	Detainment بازداشت
strive	تلاش زیاد
<input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/>	Attempt, effort
twist	چرخاندن
<input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/>	Spin E.g. He sat there nervously twisting his ring around his finger.
conducive	مساعد
<input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/>	Lucrative
puberty	بلوغ
<input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/>	Mature ≠ immature
detracted	کاهش یافته
<input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/>	E.g. His strive* was not conducive and the plan outcome detracted* at last
convenient	راحت
<input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/>	E.g. Glass is convenience to poor; it lessens* his chance to aggravate*. Convenience متقاعد کردن
spur	محرك، انگیزه
<input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/>	spore = هاگ, pollen گرده
rookie	آدم ناشی
<input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/>	Clumsy, awkward.
stride	به سرعت
<input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/>	Swift
incision	برش شکاف
<input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/>	E.g. The doctor made an incision to reject the appendix.
false teeth	دندان مصنوعی
<input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/>	cavity = گود شدن دندان wisdom tooth = دندان عقل molar = دندان آسیای بزرگ premolar = دندان آسیای کوچک
enrage	عصبانی شدن
<input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/>	E.g. Doctor was enraged as he saw spoiled teeth and cavity*
genealogy	تبارشناسی، نسب شناسی
<input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/>	It comes from "gene ژن"

faulty	معیوب
<input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/>	Defective
eventually	سرانجام
<input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/>	Finally, at last, consequently
fist	مشت
<input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/>	Fasten بستن, fasten your belt کمربندتان را ببندید
ruin	خراب کردن
<input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/>	Destroy, demolish, devastate, deteriorate
admonish	سرزنش کردن
<input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/>	Demolish "خراب کردن" "تبعید کردن" abolish
Trace	مسیر
<input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/>	Track, path, tail
imperil	به خطر انداختن
<input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/>	Endanger
represent	نماینده‌گی داشتن
<input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/>	Representative "نماینده"
fatigue	خستگی
<input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/>	Exhaust, tire out, and wear down.
initiate	آغاز کردن
<input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/>	Commence, begin, launch,
modules	واحدها، نمونه‌ها
<input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/>	Models الگو، نمونه
domesticate	رام کردن، اهلی کردن
<input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/>	Domestic رام
reversibility	برگشت پذیر
<input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/>	Irreversibility برگشت ناپذیری
succeeding	متعاقب، بعدی
<input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/>	Consequently, proceeding
distinct	متمایز، مشخص
<input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/>	E.g. The smallest particle of an element that still retains* its distinctive chemical properties called an atom.
digest	هضم کردن
<input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/>	Digestion 'هضمی' digestive "هضم"
disperse	پراکنده کردن (افراد و مردم)
<input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/>	Scatter

aggregate	جمع کردن
<input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/>	Aggravate بدتر کردن
dispense	پراکنده کردن (دارو و...)
<input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/>	Distribute توزیع کردن
slaughter	کشتار دسته جمعی
<input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/>	Toll, casualties
resume	دوباره ادامه دادن
<input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/>	Pause and resume مکث و ادامه
delight	خرسند بودن
<input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/>	Dilate = گشاد شدن رگ
legitimate	منطقی
<input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/>	Plausible, rational.
found	تاسیس کردن
<input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/>	Establish
tedious	خسته
<input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/>	Bored, exhausted, frustrated, and tired.
finite	محدود شدن
<input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/>	Limited, restricted.
debilitate	به پایان رساندن، مصرف کردن
<input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/>	deplete = مصرف شدن replete = پر بودن deplore = دلسوزی کردن
ease	آسان کردن
<input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/>	
presumably	ظاهراً
<input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/>	Supposedly, apparently.
sporadic	پراکنده
<input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/>	Scattered, diffused. Epidemic همه گیر endemic منطقه پراکنده sporadic, sporadic همه گیر
sophisticate	خبره و پیشرفته کردن
<input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/>	Complicate
Principle, principal	عمده، اصلی، مدیر
<input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/>	۱. رشته تحصیلی ۲. نظم (Discipline)
mediaeval	قرون وسطی
<input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/>	Contemporary معاصر Colonial استعماری

glorious	تحسین برانگیز
<input type="text"/>	Laudable, adorable.
undermine	تضعیف کردن
<input type="text"/>	Determine تعیین کردن
remedy	دارو
<input type="text"/>	Home remedy داروی خانگی
underestimate	کمتر برآورد کردن
<input type="text"/>	
retain	نگه داشتن، حفظ کردن
<input type="text"/>	E.g. A bladder can retain* the urine for about 10 hours, but some remedies* debilitate* its wall and undermine its tolerance.
inferior	پست، افراد رده پایین
<input type="text"/>	≠ superior افراد رده بالا
manual	کاتالوگ
<input type="text"/>	E.g. when we read the TV manual we noticed the faulty* and solved it.
pursue	دنبال کردن
<input type="text"/>	E.g. In developed societies researchers appreciated* and help them pursuing the ways to help individuals about their creativity
edible	خوردنی
<input type="text"/>	Potable = اشامیدنی
affiliate(v) affiliation(n)	وابستگی
<input type="text"/>	1. My affiliation is Tehran University 2. There are some specialties within medicine which are closely affiliated to anaesthesia
eligible	واجد شرایط
<input type="text"/>	Negligible ناچیز
solace	ارام کردن، دلداری دادن
<input type="text"/>	Soothe
assault	حمله، تجاوز
<input type="text"/>	E.g. The police pursued* him for assaulting yesterday.
hill	تپه
<input type="text"/>	"hell = جهنم", "heaven = بهشت"

emaciated	لاغر، استخوانی
<input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/>	Haggard, thin, slim.
repulsion	دفع
<input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/>	Induction قیاسی, deduction استقرایی
suture	بخیه کردن
<input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/>	Stitch
haze	مه
<input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/>	Fog, mist, smog.
Retarde	عقب افتادن، کم عقل
<input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/>	E.g. Children suffering from psychological disorders may be retarded , but if they become extrovert to their environment, normal condition restored.
receipt	رسید، قبض
<input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/>	Recipe دستور آشپزی
assertive	مدعی
<input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/>	Assert گفتن، ادعا کردن
lactating	شیرده
<input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/>	Breast feeding تغذیه شیر
furious	وحشی
<input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/>	The furious and retarded* prisoned person assaulted* while retained* a knife in his hand.
homogeneous	همگن، یکنواخت
<input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/>	Heterogeneous ناهمگون
terminate	به پایان رسیدن
<input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/>	Terminal پایانی
tabulate	در قالب جدول و نمودار توضیح دادن
<input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/>	E.g. The speaker tabulated his presentation and terminated* his lecture by homogenous* and monotonous* tone.
distort	تحریف کردن
<input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/>	Resort متوسل شدن
leaking	چکه کردن
<input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/>	E.g. This pipes are leaking it's our priority* to fix them.
inferred	استنباط شده
<input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/>	Deducted

blocked= clogged	گرفته شدن
<input type="text"/>	E.g. The sink is blocked and leaking*
convey	انتقال دادن
<input type="text"/>	
saliva	بزاق
<input type="text"/>	E.g. The etiology of lactating* woman and secretion* of saliva* are same.
Secrete, release	ترشح شدن (هورمون، آنزیم، بزاق و...)
<input type="text"/>	راز secret
abstinence	اجتناب
<input type="text"/>	Abstain from اجتناب کردن
impressed	شگفت زده شده
<input type="text"/>	Excited
identify	شناسایی کردن
<input type="text"/>	
degenerate	فاسد شدن
<input type="text"/>	Spoil, decay, rotten.
hatred	تنفر داشتن
<input type="text"/>	Loathe, hate, antipathy, abhor, detest.
delegate	نماینده‌گی داشتن
<input type="text"/>	Agent, represent.
equation	معادله
<input type="text"/>	Equal مساوی , equality عدالت
drain	زهکشی کردن، چاله
<input type="text"/>	E.g. Drains must be inserted* to remove fluid that vulnerable* to the culture of bacteria. Insert تخلیه کردن
induce	القا کردن، تحریک کردن
<input type="text"/>	Spur
accelerate	سرعت یا شتاب گرفتن
<input type="text"/>	
campaign	۱. مبارز انتخاباتی. ۲. زمین مسطح. ۳. عملیات جنگی
<input type="text"/>	E.g. His campaign thought he could gain all the votes, but the consequence* was reverse*.

stationary	ثابت
<input type="text"/>	نوشت افزار Stationery
deposit	۱. رسوب کردن ۲. واریز کردن پول
<input type="text"/>	Drain* off the stationary* cattle* hoof holes before depositing their mud.
deplore	محکوم کردن
<input type="text"/>	Sentence, condemn.
sentence	محکوم کردن
<input type="text"/>	Condemn
accuse	متهم شدن
<input type="text"/>	E.g. He was accused of drinking alcohol but they couldn't sentence* him.
implement	انجام دادن
<input type="text"/>	Do, perform, conduct, and carry out, accomplishment.
listless	بی قرار
<input type="text"/>	Restless
decline	کاهش یافتن
<input type="text"/>	Diminish, abate, subside, decrease, alleviate, depress, reduce, soothe, decline, and lessen. کاهش یافتن Enhance, increase, increment, raise, boost, elevate, promote, generate, augment, soaring, peaking افزایش یافتن
incline	متمایل بودن، کاهش دادن
<input type="text"/>	Tend , decline کاهش یافتن

نکات و توضیحات



.....

.....

.....

.....

.....

.....

Self-practice 1 (Pages 1 to 19)

Direction: complete following sentences by choosing best answer

1. The radiologist said that their place is safe from....., and there isn't any x-ray.

a radiation b reflection c constipation d pension

رادیولوژیست گفت این مکان از لحاظ پرتو امن است و هیچ اشعه ایکسی وجود ندارد.

a پرتو b انعکاس c یبوست d حقوق بازنستگی

★ ★ ★

گزینه «a» ✓

2. Anyway, if money is the only....., we should find more jobs and make more money.

a resorting b alien c heritage d issue

به هر حال اگر پول تنها موضوع است، ما باید شغل های بیشتری پیدا کنیم و بیشتر پول تولید کنیم.

a ملجاء b بیگانه c میراث d موضوع

★ ★ ★

گزینه «d» ✓

3. In 1893 a was made with the Eastern and South Africa Telegraph Company for their collaboration for the construction.

a battle b contract c trace d conflict

سال ۱۸۹۳ یک قرارداد با کمپانی تلگراف آفریقای جنوبی و شرقی و همکاری برای ساخت و ساز بسته شد.

a جنگ b قرارداد c مسیر d جدال

★ ★ ★

گزینه «b» ✓

4. The young birds, which are hatched after about four weeks', look very different from the adult.

a Incubation b dissection c enterprising d agitation

پرنده های جوان که حدود ۴ هفته بعد از روی تخم خوابیدن بیرون می آیند، خیلی از بالغ ها متفاوت تر هستند.

a روی تخم خوابیدن b کالبدشکافی c سرمایه گذاری d پریشانی

★ ★ ★

گزینه «a» ✓

5. The boy put some feed and gave the canary a trick to it come back to the cage.

a Spore b spur c strive d stride

پسر مقداری غذا به قناری داد و او را گول زد تا تحریک شود و به قفس برگردد.

a هاگ b تحریک شدن c تلاش کردن d به سرعت رفتن

★ ★ ★

گزینه «b» ✓

6. Most alcohol drinks and cigarettes are harmful and may.....your lungs in future.

a Demolish b diminish c abolish d admonish

بیشتر نوشیدنیهای الکلی و سیگارها مضر هستند و در دراز مدت شش های شما را ممکن است خراب کند.

a خراب کردن b کم کردن c تبعید کردن d سرزنش کردن

★ ★ ★

گزینه «a» ✓

7. After the football game the player was sothat he couldn't move a step.

a Loose b retained c delighted d exhausted

بعد از مسابقه فوتبال بازیکن آنقدر خسته بود که نمی توانست یک قدم بردارد.

a گشاد b باقی ماند c خرسند بود d خسته و بریده

★ ★ ★

گزینه «d» ✓

8. The patient didn't want to speak anyone, as well as had a bad temper and nervous about everything, his doctor guessed they are the sign of

a Consternation b agitation c self-esteem d affiliation

مریض نمیخواست هیچ سخنی داشته باشد، همچنین اخلاق بدی داشت و در مورد هر چیزی عصبی بود، پزشک او حدس زد که این علائم مربوط به بیقراری (آزپته) می باشند.

a حیرت b بیقراری c عزت نفس d وابستگی

★ ★ ★

گزینه «b» ✓

9. The cat was hidden behind the bush and ready to catch the mouse

a Initially b furtively c celestially d disruptively

گره داخل بوشه پنهان شده بود و آماده بود که به صورت پنهانی موش را بگیرد.

a در آغاز b پنهانی c آسمانی d اختلال آور

★ ★ ★

گزینه «b» ✓

10. When a disease is rife in a country, measuring theof new cases could help the decision makers to apply conducive actions.

a substitution b incidence c confliction d convention

وقتی یک بیماری در یک کشوری شایع است، اندازه گیری بروز موارد جدید می تواند به تصمیم گیرندگان کمک کند تا اقدامات مناسب اعمال کنند.

a جانشین b بروز c مشاجره d رسم

★ ★ ★

گزینه «b» ✓

11. "Who is in..... of all these responsibilities which caused complaints, "The hospital manger said."

a Fault b indulge c list d charge

مدیر بیمارستان گفت: چه کسی مسئول این همه مسئولیت هست که موجب شکایت شده است

a عیب b افراط c لیست d مسئول

★ ★ ★

گزینه «d» ✓

توضیح: عبارت in charge of به معنی مسئول بودن می باشد.

ovary	تخمدان
<input type="text"/>	
suppress	متوقف کردن
<input type="text"/>	E.g. The pain of patient didn't completely suppressed even though his doctor used painkiller to temporarily* relieved*. حمایت کردن Support, advocate
attenuate	ضعیف شدن
<input type="text"/>	E.g. Vaccines consist of attenuated or killed microbes to provoke* defensive cells.
precious	قیمتی
<input type="text"/>	بی ارزش، invaluable، قیمتی Valuable
stimulate	تحریک کردن
<input type="text"/>	Provoke, arouse, and agitate.
subsistence	امرار معاش
<input type="text"/>	
decompose	تجزیه شدن
<input type="text"/>	ساختن Compose
converse	معکوس
<input type="text"/>	Reverse
discrete	متمایز، گسسته
<input type="text"/>	با احتیاط Discreet
sedate	آرام کردن
<input type="text"/>	E.g. Police tried to suppress* the riot and decompose* the crowd to sedate that messy state.
riot	شورش، شورش کردن
<input type="text"/>	Rebellious، شورش، revolt، انقلاب، revolution
break out	شروع شدن (جنگ، سیل، بیماری و...)
<input type="text"/>	E.g. Civil war has been broken out and diseases initiated*.
fusion	ترکیب
<input type="text"/>	خون رسان Perfusion
concentration	۱. غلظت، ۲. تمرکز
<input type="text"/>	Concentrated blood with nutrients is vital and hampers* us from diseases.

dissipate	پراکنده کردن
<input type="text"/>	Disseminate انتشار یافتن
averse	بیزاری، ناسازگاری
<input type="text"/>	E.g. Fortunately for us, our kidnappers are not averse to a bit of bargaining.
jeopardize	به خطر انداختن
<input type="text"/>	Endanger
breathe(v)	نفس کشیدن
<input type="text"/>	Breath(n) نفس، inhale دم، exhale بازدم
slump= tumble	سقوط کردن، کاهش یافتن
<input type="text"/>	E.g. The price of rice after the famine* has been slumped .
slip	لغزیدن
<input type="text"/>	“ لغزنده = slippery، دمپایی = slipper ”
acknowledge	۱. اعتراف کردن ۲. قدر دانی کردن
<input type="text"/>	
innovation	ابتکار
<input type="text"/>	
frontier	مرز
<input type="text"/>	Border
burdens	بار بیماری
<input type="text"/>	E.g. In treating a terminally* ill patient, the physician should determine* whether the benefits of treatment outweigh* its burdens .
mandate	دستور دادن، اجبار
<input type="text"/>	E.g. It is mandatory for diabetic people to inject* Insulin two times per each day.
attitude	نگرش
<input type="text"/>	Approach
sedentary	ثابت
<input type="text"/>	Stationary
hospitality	مهمان نوازی
<input type="text"/>	Hospitalize بستری کردن
sculptor	مجسمه تراش
<input type="text"/>	Statue مجسمه

unravel	پرده برداشتن، فاش کردن
<input type="text"/>	E.g. The inspector was not able to unravel the mystery of missing money.
commit	مرتکب (جرم) شدن
<input type="text"/>	E.g. He committed a murder and imprisoned for 2 years.
restrict	محدود کردن
<input type="text"/>	District ناحیه, constrict منقبض کردن.
evolve	تکامل یافتن
<input type="text"/>	Evolution تحول
numb	حس
<input type="text"/>	Numbness بی حسی
sneeze	عطسه کردن
<input type="text"/>	yawn , snoring سرفه , cough خمیازه , burb آروغ , hiccup سکسکه , خروپف
sigh	آه کشیدن
<input type="text"/>	E.g. She sighed with relief* when she heard the plane had landed* safely.
incentive	انگیزه
<input type="text"/>	
Persuade	ترغیب کردن
<input type="text"/>	
substantiate	اثبات کردن
<input type="text"/>	Prove
lick	لیسیدن
<input type="text"/>	Leak کردن چکه , suck مکیدن
aspirate	روحیه دادن
<input type="text"/>	Aspiration روحیه
startle	وحشت زده شدن
<input type="text"/>	Start آغاز کردن
exquisite	زیبا
<input type="text"/>	Beauty, gorgeous.
burst	ترکیدن (جوش، بادکنک و..)
<input type="text"/>	E.g. someone must have busted a balloon
implication	برداشت
<input type="text"/>	Application کاربرد

shallow	کم عمق
<input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/>	Swallow بلعیدن
compromise	۱. سازش کردن ۲. به خطر افتادن (ضعیف شدن)
<input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/>	Comprise شامل شدن
Deter	ممانعت کردن، (تمامی موارد زیر را حتما حفظ کنید)
<input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/>	Prevent, Impede, Contain, Dam, Deter, Suppress, Hamper, Hinder, Restrain, Refrain, Detain, Repel, Prohibit, Ban
detect	شناسایی کردن
<input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/>	Detector شناساگر
undergo	تحمل کردن
<input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/>	Bear, tolerate, endure, withstand, sustain, put up with, and endure.
acquit	تبرئه کردن
<input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/>	Aquatic آبی
put on weight	وزن زیاد کردن
<input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/>	Loss weight کم کردن وزن
recur	اتفاق افتادن
<input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/>	Happen
obliterate	محو کردن، کاملا از بین بردن
<input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/>	Obviate, ruin, destroy, wipe out, demolish, annihilate.
simulate	شبیه سازی کردن
<input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/>	Assemble, resemble, analogize, imitate, mimic.
intriguing	جذاب
<input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/>	E.g. The statue was so exquisite* and intriguing that authorities mandated* to put it at the center of the city.
shelter	پناهگاه
<input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/>	E.g. They were standing under shelter of a tree to deter* them from getting wet until the rain will be suppressed*.
assign	اختصاص دادن
<input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/>	Devote, allocate, dedicate

flood stricken	سیل زده
<input type="text"/>	E.g. He contributed* 400\$ for flood stricken people.
prostitution	فحشا
<input type="text"/>	Corruption
armed	مسلح
<input type="text"/>	E.g. The minister was kidnaped* by armed men on his way to the airport.
consolidate	محکم کردن
<input type="text"/>	E.g. As you getting old your flexibility begin to consolidate and stiff*.
acquire	کسب کردن
<input type="text"/>	E.g. Acquiring further education contributes* the health provider to deliver* their task and career
gestation	بارداری
<input type="text"/>	Pregnancy بارداری pregnant باردار
predispose(v)	مستعد کردن، زمینه چیزی را فراهم ساختن
<input type="text"/>	Prone, vulnerable, susceptible
transient	گذرا
<input type="text"/>	transience ناپایدار transition گذار transitory موقت
avian flu	انفولانزای مرغی
<input type="text"/>	E.g. In 1990s avian flu epidemic broke out but after a period of time it was eradicated* completely, and there was no any sign of the disease.
primitive	اولیه، انسان اولیه
<input type="text"/>	
accent	لهجه
<input type="text"/>	Pronunciation تلفظ, intonation گفتن
explicit	صریح، روشن
<input type="text"/>	Implicit مبهم
contradict	تناقض داشتن
<input type="text"/>	Primitive* accent* contradicts with the statues which are detected.
pervasive	فراگیر
<input type="text"/>	Universal